

کمال زارعی کیایی^۱

سقوط اتحاد جماهیر شوروی که خلاء عظیم قدرت را در جهان به همراه داشت آمریکا را ترغیب نمود تا از فرصت بدست آمده برای اجرای برنامه «جاده ابریشم آمریکا» که در سال ۱۹۹۲ در اداره داخلی وزارت خارجه این کشور و با هدف تبدیل آمریکا به بزرگترین قدرت اقتصادی و نظامی در جهان طراحی شده بود، اقدام کند. به موجب این برنامه آمریکا می‌بایست در همه کشورهایی که در گذشته وابسته به اتحاد شوروی بودند با دستاویز کمکهای اقتصادی و سیاسی و ترویج دموکراسی دخالت کرده و آنان را با سیاستهای خود منطبق سازد. این برنامه و عملی شدن سیاستهای آمریکا در این منطقه به واشنگتن این امکان را می‌دهد تا ضمن رهایی از توری اقتصادمندان روسیه در منطقه و کسب منافع سیاسی، نظامی و اقتصادی بیشتر و تحکم بر مصادر انرژی آسیای مرکزی و قفقاز از توسعه هرچه بیشتر هند و چین که بدنبال بهره‌مندی از قابلیت‌های متعدد و متنوع منطقه هستند و در طولانی مدت تهدید کننده منافع آمریکا خواهند شد جلوگیری نماید. لذا می‌توان به صراحت گفت ادعای ترویج دموکراسی از سوی آمریکا در کشورهای منطقه بهانه‌ای است تا این کشور بتواند تحت لوای آن درصدد اجرایی نمودن برنامه فوق و استراتژی‌های خود باشد از این رو کماکان شاهد سیاستهای مداخله جویانه آمریکا و اصرار بر تکرار الگوی گرجستان و اوکراین در دیگر کشورهای منطقه خواهیم بود. مقاله زیر ابعاد گوناگون موضوع را بررسی می‌نماید.

چاد نیگل ناظر انتخابات اوکراین: مجموعه رویدادهای انتخابات ریاست جمهوری اوکراین فضای «جاسوس در مقابل جاسوس» و رقابت دو بلوک شرق و غرب در عملیات جاسوسی و قتل‌های زنجیره‌ای حاصل از آن را برای انسان به تصویر می‌کشد.^(۱)

حاصلخیزی و قرار گرفتن اوکراین در کناره دریای سیاه اهمیت راهبردی ویژه‌ای به این کشور بخشیده است، این موقعیت راهبردی جغرافیایی و جایگاه مورد ملاحظه این کشور در صنعت و بخش نظامی موجب شده تا اوکراین همواره کانون توجه قدرتهای منطقه‌ای و بین‌المللی قرار گیرد.

انتخابات چهارمین دوره ریاست جمهوری این کشور فرصتی را فراهم آورد تا

۱. آقای کمال زارعی کیایی، کارشناس میز اوکراین، اداره اول کشورهای مشترک‌المنافع است.

احزاب، گروهها و کشورهای ذینفع با امید به تغییر حاکمیت سیاسی یا حفظ وضع موجود، استراتژی‌های مختص خود را که تأمین‌کننده منافع حیاتی آنها در دنیای متغیر امروز است تدوین نموده و با بهره‌مندی از ابزارهای انسانی و تکنولوژیک به اهداف خود دست یابند.

تحولات سیاسی جدیدی که با خروج گرجستان از حوزه نفوذ سنتی روسیه آغاز و در اوکراین با هدف تغییر حاکمیت سیاسی این کشور دنبال شد، تصویر دیگری از تفکر جنگ سرد را به نمایش گذاشت که علیرغم وجود تفاوت‌ها به رویارویی آمریکای شوروی در ویتنام تشبیه شد. از این رو طبیعی بنظر می‌رسد که دو قدرت سیاسی آمریکا و روسیه به ترتیب خواهان تغییر و حفظ وضع موجود در حاکمیت سیاسی اوکراین باشند چرا که ایالات متحده آمریکا از اقدامات سیاسی خود در گرجستان منتفع شده و خواستار تکرار الگوی انقلاب مخملی در دیگر کشورهای CIS بوده است و روسیه نیز برای جلوگیری از آنچه تداوم بحران ژئوپلیتیک پس از فروپاشی شوروی در منطقه تحت نفوذ سنتی آن نام گرفت از هیچ تلاشی فروگذار ننماید.

شاید حضور پررنگ اپوزیسیون در کشور و برخورداری آنها از حمایت جدی مردم و برنامه‌های مورد پذیرش ملت اوکراین توانست غرب را به برنامه ریزی در این جبهه به کسب حداکثر کامیابی امیدوار ساخته تا با بهره‌گیری از این نیروهای سیاسی و جایگاه مردمی آنها کشوری دیگر از این منطقه را از پیرامون روسیه جدا سازد و بدین نحو تجربه گرجستان را در حوزه‌های جدید به آزمون بگذارد.

حال اگر یکی از مؤلفه‌های مورد اشاره برای روی کار آمدن گروههای اپوزیسیون مدعی دموکراسی در این کشورها را، حمایت بیدریغ غرب از آنها تلقی نماییم و تمایل و گرایش آنها در حوزه‌های سیاسی و اقتصادی به غرب و ایالات متحده نیز قابل پذیرش باشد باید شاهد تحولاتی جدید در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز باشیم که هم می‌تواند تهدیدکننده منافع حیاتی روسیه در خارج نزدیک خود باشد و هم می‌تواند منافع منطقه‌ای و بین‌المللی دیگر کشورهای منطقه را که مخالف سیاستهای اقتدارطلبانه ایالات متحده آمریکا هستند به چالش بکشد.

نوشتار حاضر با ملحوظ نگه داشتن مباحث فوق و مفروضات زیر:

۱. پیروزی یوشنکو بعنوان کاندیدای اپوزیسیون دولت و متمایل به غرب در انتخابات ریاست جمهوری اوکراین می‌تواند الگوی نوینی برای گروههای سیاسی معتقد به تغییر وضع

موجود در کشورهای CIS قرار بگیرد و گروه‌های اپوزیسیون را در این کشورها به غرب پیوند دهد.
۲. آمریکا با حمایت‌های مادی و معنوی به کاندیدای مخالف دولت و پیگیری ادعاهای این طیف، بار دیگر رویارویی جدی در قبال روسیه را به نمایش گذاشت که از لحاظ مانور در حوزه منافع حیاتی روسیه قابل ملاحظه است.

۳. با توجه به اهمیتی که اوکراین برای روسیه در حوزه‌های منافع ملی و حیاتی این کشور دارد می‌توان اینگونه یادآور شد که توان تأثیرگذاری روسیه بر اوکراین و دیگر کشورهای منطقه محدود است و مانور روسیه بیشتر پرستیژ اقتدارمندانه است و بس.

۴. موضعگیری‌ها و بیانات مطروحه از سوی مسئولان و اعضای اتحادیه اروپا حاکی از تفاوت دیدگاه‌های یوشنکو و غرب در خصوص عضویت اوکراین در این اتحادیه است و این تشکل اوکراین را تنها بعد از حفظ و رعایت دقیق استانداردهای مورد نظر خود خواهد پذیرفت نه بخاطر تغییر حاکمیت سیاسی در این کشور.

۵. تحولات سیاسی و اجتماعی کشورهای قرقیزستان، ارمنستان و بلاروس و دیگر کشورهای منطقه آسیای مرکزی و قفقاز از یکسو، و توجه و حضور مستمر و رفت‌وآمدهای اندیشمندان سیاسی و مقامات رسمی آمریکا با موضع‌گیری‌های جهت دار از سوی دیگر، نشانه‌هایی از تکرار انقلاب‌های نرم را در این کشورها متجلی می‌سازد.

در صدد است تا در ادامه با بررسی و مورد لحاظ قرار دادن هر یک از مفروضات فوق‌الذکر به سؤالات اصلی و فرعی زیر در راستای موضوع مورد نظر پاسخ درخور و بایسته دهد:

۱. آیا می‌توان بصورتی شفاف دولت یوشنکو را دولتی غربی و مخالف سیاست‌های اقتدارطلبانه روسیه در منطقه ذکر کرد و آن را تأمین‌کننده بخشی از اهداف سیاسی و امنیتی آمریکا در منطقه قلمداد نمود؟

۲. قابلیت بالفعل روسیه برای تأثیرگذاری بر تحولات سیاسی کشورهای حوزه نفوذ سنتی خود تا چه حدودی قابل تعریف است؟ و آیا روسیه در سیکل واقعیت تلخی قرار گرفته است که هر سال از قدرت تأثیرگذاری بر دیگر کشورهای CIS کاسته می‌شود و در این مسیر روسیه را گریزی از آن نیست؟

۳. آیا غرب برای اوکراین که در مسیر مورد نظر و مطلوب آن حرکت نموده بمنظور

عضویت در ساختارهای غربی خاصه اتحادیه اروپا تخفیفی قائل خواهد شد یا اینکه اوکراین همچنان باید در انتظار چراغ سبز غرب باقی بماند؟

فرضیه تجربه انتقال قدرت مخملین گرجستان که با شباهتهایی قابل ملاحظه در اوکراین نیز به آزمون گذاشته شد تحولی بنیادین در ساختارهای سیاسی معتقدان به استراتژی تغییر وضع موجود در دیگر کشورهای CIS ایجاد نمود که این امر با عنایت به رویکرد غربگرایانه آنها نویدگر حضور پررنگ و قریب الوقوع آمریکا و غرب در حوزه خارج نزدیک روسیه خواهد بود و بی شک از اقتدار روسیه در منطقه بشدت خواهد کاست.

چهارمین دوره انتخابات ریاست جمهوری اوکراین با پایان دوران دهساله ریاست جمهوری لئونید کوچما برگزار شد. در این دوره از انتخابات که ۳۷ میلیون و ۶۰۰ هزار نفر از تعداد ۴۷ میلیون نفر جمعیت اوکراین، واجد شرایط برای رأی دادن در انتخابات ریاست جمهوری بودند؛ ۲۶ کاندیدای شرکت کننده در دور اول انتخابات ۴ ماهه یعنی از ۳ جولای تا ۳۱ اکتبر فرصت داشتند تا برنامه‌های خود را اعلام داشته و از این طریق بتوانند ۵۰ درصد رأی لازم را برای انتخاب شدن کسب نمایند.

مرحله اول: (۳۱ اکتبر ۲۰۰۴)

براساس اعلام ستاد مرکزی انتخابات، مشارکت اجتماعی در دور اول ۷۴/۵۶ درصد ذکر شد و یاناکوویچ و یوشنکو دو نامزد اصلی و رقیب با کسب ۳۹/۳۲ و ۳۹/۸۷ درصد آرا در صدر قرار گرفتند. گرچه از آغاز عمده تبلیغات و اخبار بر روی دو نامزد اصلی یعنی یاناکوویچ نامزد دولت و شرق‌گرا و یوشنکو نامزد اپوزیسیون و غرب‌گرا متمرکز شده بود اما افرادی همچون الکساندر ماروز رهبر حزب سوسیالیست و پتروسیموننکو رهبر حزب کمونیست هم از جمله نامزدهای قابل توجه و دارای هوادارانی بودند که در نتیجه انتخابات تأثیرگذار بوده اند و البته در پایان دور اول انتخابات با کسب به ترتیب ۷/۳ درصد و ۵/۰۲ درصد آرا از رقابت انتخاباتی خارج شدند.

این آغاز تحولاتی جدید در اوکراین بشمار میرفت که گروه‌های سیاسی اوکراین را در جبهه‌های مخالف هم قرار داد. طرفداران یوشنکو در پایان این دور معتقد به اجحاف بر علیه حق نامزد آنها بوده و دولت را متهم به اعمال سلیقه و تقلب در انتخابات کردند. نکته قابل توجه اینکه

در این دور در حالی که شمارش موازی آرا نشان از پیشی گرفتن یوشنکو نامزد اپوزیسیون از یاناکوویچ داشت اما در نهایت کمیسیون مرکزی انتخابات اعلام کرد دو طرف با عدم اتخاذ رأی ۵۰ درصدی مورد نیاز به دور دوم راه یافتند.

مرحله دوم: (۲۱ نوامبر ۲۰۰۴)

دور دوم انتخابات با حضور ۷۶/۶۳ درصدی مردم اوکراین و با نظارت گسترده تر ناظران بین‌المللی که ۵۰۰۰ نفر ذکر شدند در تاریخ ۲۱ نوامبر برگزار شد.

علیرغم تلاش یوشنکو و حامیان داخلی و خارجی وی برای حفاظت از آرای مخالفان دولت، نامزد دولت و طرفدار روسیه با کسب ۴۹/۴۶ درصد آرا بعنوان شخص پیروز در این دور اعلام شد که این امر عملیات میدانی و حضور گسترده طرفداران یوشنکو و حمایت‌های سیاسی و... غرب را برای اعمال فشار بر دولت اوکراین در پی داشت.

در دور دوم با اعلام کمیسیون مرکزی انتخابات مبنی بر اخذ ۴۹/۴۶ درصد آرا از سوی یاناکوویچ و ۴۶ درصد آرا از سوی یوشنکو، نامزد طرفدار دولت یعنی یاناکوویچ پیروز انتخابات اعلام شد. این امر تحولات سیاسی و اجتماعی خاصی را در پی داشت که در نهایت به تکرار دور دوم و یا با عنوانی دیگر به برگزاری دور سوم انجامید. اهم این تحولات بدین شرح می‌باشند:

الف) آغاز نافرمانی‌های مدنی از سوی طرفداران یوشنکو

با اعلام پیروزی یاناکوویچ در دور دوم انتخابات اوکراین و شکست یوشنکو، اوکراین شاهد موضعگیرهای شدید سیاسی و شدت مخالفتها و درگیری‌ها بود. طرفداران یوشنکو که با رهبری وی اعلام کرده بودند از روز رأی‌گیری تا اعلام نتایج انتخابات در خیابانها خواهند ماند تا مثل دور قبل تقلبی صورت نگیرد موجب شدند تا حرکت‌هایی با عنوان نافرمانی‌های مدنی آغاز و به محاصره ساختمانهای دولتی و دیگر مراکز کلیدی دولت شکل گیرد به نحوی که این امر موجب ضربه‌پذیری دولت و سیستمهای مالی و اقتصادی کشور شد. یوشنکو نیز برای سازماندهی تظاهرات و مخالفت‌های طرفداران خود «کمیته نجات ملی»^(۲) را با هدف اصلی خروج از وضعیت کنونی و تأمین حقوق قانونی مردم تشکیل داد که البته با موضعگیری یاناکوویچ همراه شد و او نیز

فورا با تشکیل «اتحادیه مرکز دموکراتیک»^(۳) برای مقابله با عملکردهای ضد دموکراتیک و ضد آزادی یوشنکو و طرفداران وی سعی در حفظ آنچه کسب کرده بود برآمد. از سویی طولانی شدن زمان بررسی و اعلام نتایج نهایی با انسجام بیشتر معترضان همراه شد که این روند موضعگیری استانداری‌ها و مراکز دولتی و محلی را از هریک از نامزدها در پی داشت و منجر به دو دستگی و انشقاق بیشتر در کشور شد. به نحوی که استانهای شرقی به نفع یاناکوویچ و استانهای غربی به نفع یوشنکو اعلام موضع کردند.^(۴) این موضعگیری‌ها و استمرار حرکت‌های معترضان طرفداران یوشنکو در نهایت نتیجه بخش شد و فشارهای بین‌المللی را بهمراه داشت به نحویکه تظاهراتی در کانادا، استرالیا، روسیه، فرانسه و دیگر کشورها در حمایت از آنچه حق طرفداران یوشنکو نام گرفت برپا شد و در نهایت دو طرف درگیر و رقیب در اوکراین را بر سر میز مذاکره با نظارت و میانجیگری کشورهای خارجی نشانند.

ب) بحث همه پرسی و کسب خودمختاری استانهای شرقی

۲۷ نوامبر یعنی ۶ روز بعد از برگزاری انتخابات مرحله دوم و اعلام پیروزی یاناکوویچ و به دنبال آن عدم تمکین یوشنکو و طرفدارانش از نتیجه اعلام شده و برپایی تظاهرات پی در پی در اوکراین طرفداران یاناکوویچ برای یافتن راه حلی که بتواند پیروزی کسب شده از سوی یاناکوویچ را حفظ کند در «کنگره دانتسک» در استان شرقی اوکراین گرد هم آمدند و اعلام کردند چنانچه یوشنکو با فشار و حمایت غرب بخواهد رئیس جمهور اوکراین شود اعلام خودمختاری کرده و با یک همه پرسی جدایی خود را از اوکراین اعلام خواهند داشت. این نشست که با حضور یاناکوویچ و شهردار مسکو تحت عنوان خودمختاری دونباس (مجموعه استانهای صنعتی شرقی؛ دانتسک، دنیپروپتروفسک، زاپاروژه و لوگانسک...) برگزار شد از جنبه‌هایی بویژه حضور نمایندگان روسی قابل توجه بود. اما این امر هم در نهایت افاقه نکرد. چرا که هم تأثیری منفی و با خللی در فرایند حمایت از یوشنکو ایجاد نکرد و هم نه تنها از سوی دیگر کشورها و احزاب داخلی اوکراین حمایت نشد بلکه تجزیه طلبی اوکراین و طرح آن را سیاستی غلط از سوی طرفداران یاناکوویچ اعلام کردند تا جاییکه کوچما با آن به مقابله برخاست و روسیه نیز آن را رد کرد. مهمتر اینکه کنگره دانتسک شمالی و مباحث مربوط به اعلام خودمختاری مناطق تحت

نفوذ یاناکوویچ چند پیامد جدی را نیز در برداشت که در نهایت به فرآیند پیروزی یوشنکو کمک کرد: ۱. کناره گیری تیگیپکو از ستاد یاناکوویچ؛ ۲. طرح مساله استعفای یاناکوویچ در شورای عالی؛ ۳. ملاقات مجزای کوچما با یاناکوویچ و یوشنکو؛ ۴. ایجاد تزلزل در جایگاه یاناکوویچ بخاطر عدم توجه به استقلال و وحدت ملی.

ج) مذاکرات بین‌المللی برای حل و فصل مناقشات انتخاباتی

عدم تمکین طرفداران یوشنکو از نتیجه اعلام شده از سوی کمیسیون مرکزی انتخابات اوکراین با ریاست کولیف مبنی بر پیروزی یاناکوویچ و فشارهای کشورهای غربی - تا جائیکه هشدار دادند با اعلام چنین نتیجه‌ای دولت جدید اوکراین و ریاست جمهوری یاناکوویچ را به رسمیت نخواهند شناخت - و تدابیر ویژه‌ای از سوی طیف سیاسی متعلق به یوشنکو که برخی آن را تدوین شده از سوی دست اندرکاران تکنولوژی سیاسی آمریکا قلمداد می‌کنند، فضای جدیدی در کشور ایجاد نمود که حل آن در گرو مشارکت میانجیگران بین‌المللی قرار گرفت. از این رو طی ۳ دور مذاکره بین دو نامزد رقیب با نظارت کوچما و با حضور کواشنفسکی رئیس‌جمهور لهستان، والداس آدامکوس رئیس‌جمهور لیتوانی، خاویر سولانا مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا، گریز لوف رئیس دوماى دولتی روسیه، لیتوین رئیس شورای عالی اوکراین در کاخ مارینسکی، بهترین راه‌حل برای پایان بخشیدن به بحران سیاسی و اجتماعی اوکراین برگزارى مجدد انتخابات اعلام شد. این مذاکرات در نهایت با دستیابی به چند اصل مهم به نفع طرفداران یوشنکو منجر شد به پایان رسید:

۱. هرگونه اعلام نظر نهایی دیوان عالی در خصوص انتخابات دور دوم با نظر داشت و بررسی شکایتهای معترضان مورد پذیرش طرفین قرار خواهد گرفت.
۲. اصلاحیه قانون انتخابات و قانون اساسی کشور مورد تصویب قرار گرفته و اجرایی شود.
۳. اعضای کمیسیون مرکزی انتخابات با پیشنهاد اولیه شورای عالی و تأیید رئیس‌جمهور تغییر یابند.

این مذاکرات در عمل شرایط را به سمتی سوق داد تا انتخابات بار دیگر در اوکراین تکرار شود و البته این بار با نگاه تیزبین غرب و طرفداران یوشنکو از هرگونه اعمال سلیقه دولت در آن

جلوگیری شود. نکات قابل توجهی که در خصوص این مذاکرات قابل اشاره‌اند:

نکته اول: روسیه و نماینده آن در این مذاکرات جز تکرار شعارهای سیاسی و در حد رعایت پرستیژ اقتدارمدارانه خود، فعالیتی در حمایت از یاناکوویچ بعمل نیاوردند که البته شاید بتوان این مهم را در محدود بودن قدرت تأثیرگذاری روسیه در این کشورها تعریف کرد.

نکته دوم: حضور پررنگ لهستان را در این مذاکرات ضمن کسب اعتباری جهانی برای این کشور می‌توان بعنوان نماینده غرب و ایالات متحده آمریکا برای دفاع از حقوق مدعیان پیروزی یوشنکو و یا حداقل ایجاد فرصت و زمینه‌ای برای آزمون مجدد جایگاه مردمی یوشنکو قلمداد کرد.^(۵)

کواشفسکی ۸ روز قبل از برگزاری دور مجدد انتخابات با یوشنکو از فردای بعد از انتخابات که باید احساسات مردمی را کنار نهد و به فکر مردم کشورش باشد سخن گفت گویی از آینده این مباحث به نحوی که به نفع یوشنکو نامزد غرب‌گرا به اتمام رسد با خبر بوده است و شاید به خاطر بازتاب همین اخبار بوده که یاناکوویچ تیم مذاکره‌کننده را به حمایت صریح از یوشنکو متهم کرد حال آنکه برای جلوگیری از ادامه این روند نه از سوی او و نه از سوی روسیه اقدامی بایسته صورت نگرفت.

نکته سوم: یاناکوویچ به درخواست میانجیگران بین‌المللی از مداخله ۴۰ هزار نفر از معدنچیان که قرار بود در یک روز بر علیه شورشهای داخلی یورش ببرند جلوگیری کرد. شاید اگر او در آنروز این اقدام را مرتکب نمی‌شد امروز حکایت چیز دیگری بود.

نکته چهارم: سرگئی کولیف که تا آنزمان یعنی پایان دور دوم رئیس کمیسیون مرکزی انتخابات بود با پافشاری یوشنکو و تیم سیاسی وی و حمایت میانجیگران بین‌المللی در اوکراین با حکم کوچما برکنار شد و یاراسلاو داویدوویچ ریاست این کمیسیون را برای دور سوم در اختیار گرفت.

د) رأی پارلمان و دیوان عالی اوکراین مبنی بر تکرار انتخابات

پارلمان اوکراین به ریاست لیتوین شاید به ضرس قاطع یکی از حامیان اصلی یوشنکو در ایام برزخی اوکراین قلمداد شود. لیتوین و اعضای پارلمان اوکراین که حضور پررنگ و مستمر

طرفداران یوشنکو را در خیابانها و مقابل ساختمانهای دولتی به وضوح درک کرده بودند و آنها را خلل ناپذیر یافته بودند در نهایت با بی اعتبار خواندن نتایج اعلام شده دور دوم انتخابات از سوی کمیسیون مرکزی تا حدودی مسیر ابطال نتایج را برای نهاد اصلی تصمیم‌گیرنده در چنین مواردی یعنی دیوان عالی هموار ساختند و یا حداقل آنها را در برابر آزمایشی سخت قرار دادند. دیوان عالی اوکراین نیز در تاریخ ۳ دسامبر با بررسی شکایتهای یوشنکو مبنی بر اعمال سلیقه و تقلب در انتخابات دور دوم از سوی یاناکوویچ نخست وزیر وقت حکم به ابطال نتایج دور دوم و غیر قانونی بودن آن داد و تکرار دور دوم را لازم دانست. متعاقب این حکم کمیسیون مرکزی انتخابات نیز این حکم را قابل اجرا دانست و رأی به تکرار انتخابات داد.^(۶)

مرحله سوم: (۲۶ دسامبر ۲۰۰۴)

بر اساس اعلام رسمی کمیسیون مرکزی انتخابات ریاست جمهوری اوکراین، ویکتور یوشنکو در تکرار مرحله دوم یا عبارتی در دور سوم انتخابات که ۷۷/۲۲ درصد واجدین شرایط در آن شرکت کردند با کسب ۵۲ درصد آرا در برابر یاناکوویچ با ۴۴/۲ درصد آرا یعنی با تفاوت ۲/۵ میلیون رأی به پیروزی رسید و بدین ترتیب یوشنکو بعنوان سومین رئیس جمهور رسمی اوکراین پس از استقلال این کشور معرفی شد. بر صحت برگزاری این انتخابات قریب به ۱۳۷۰ نفر ناظر بین‌المللی از ۴۴ کشور جهان شرکت داشتند که در نهایت اعلام کردند که اوکراین با برگزاری این انتخابات به استانداردهای بین‌المللی نزدیکتر شده است.

فضای سیاسی و اقتصادی اوکراین پس از پیروزی یوشنکو

۱. استعفای یاناکوویچ و موضعگیری او در قبال پیروزی یوشنکو

یاناکوویچ بعد از پیروزی یوشنکو در انتخابات دور سوم انتخابات، زمانی که از سوی طرفداران یوشنکو از حضور در ساختمان دولت منع شد و همچنین شکایتهای وی نیز در دیوان عالی مورد پذیرش واقع نشد، اول ژانویه ۲۰۰۵ مجبور به استعفا شد و اعلام کرد: دیگر انگیزه‌ای برای فعالیت در چارچوب حکومت ندارد و لذا از این پس در صحنه سیاست بصورت یک رهبر اپوزیسیون و علیه حکومت جدید فعالیت خواهد کرد. یاناکوویچ ضمن اعلام اینکه باطل در

اوکراین بر حق پیروز شده است با این همه از هوادارانش خواست تا به هر حال نتیجه انتخابات ریاست جمهوری این کشور را بپذیرند و به نظر دادگاه احترام بگذارند.

۲. انتصاب نخست وزیر جدید

یوشنکو در آستانه سفر به روسیه بعنوان اولین سفر خارجی خود یولیا تیموشنکو را به کفالت نخست وزیری اوکراین برگزید. انتخاب تیموشنکو بخاطر حضور فعال و مؤثرش در ائتلاف یوشنکو امری طبیعی بود اما از سویی انتخاب تیموشنکو بخاطر اتهام روسیه به او مبنی بر اختلاس ۳۰۰ میلیون دلار و تحت تعقیب بودنش می تواند قابل ملاحظه باشد. گرچه یوشنکو در سفر به مسکو اعلام کرده این موضوع با پوتین حل شده است و مشکلی در این خصوص وجود ندارد. البته تیموشنکو در تاریخ ۱۰ ژانویه - در راستای آنچه ناظران سیاسی آن را تغییر نظر منفی روسیه نسبت به او خواندند - مشارکت اقتصادی با روسیه را در ۱۰ سال آینده جزء اولویتهای کشورش اعلام کرد. به نظر او دو کشور به فضای واحد اقتصادی که پس از فروپاشی شوروی برجای مانده، تعلق دارند. وی در ادامه خاطر نشان ساخت اوکراین تنها همراه روسیه وارد ناتو خواهد شد. با این همه، اعلام نخست وزیری تیموشنکو از سوی یوشنکو اقدامی سیاسی تلقی می شود.

۳. سفر یوشنکو به روسیه

یوشنکو روز بعد از مراسم تحلیف خود یعنی ۲۴ ژانویه بنا بر قول قبلی خود به روسیه سفر کرد تا ضمن آرام کردن خاطر رهبران روسیه، افکار عمومی روس تباران اوکراین و مردم شرق و جنوب طرفدار یاناکوویچ را آرام نموده و با خود موافق سازد. محور اصلی سخنان یوشنکو با پوتین در اولین دیدارش از مسکو همکاری های بازرگانی دو کشور صنایع هواپیماسازی، مناسبات فنی، نظامی و انرژی و نیز حوزه دریای آزارف و بندر کرچ و استقرار ناوگان نظامی دریایی روسیه در بندر سواستوپل در دریای سیاه بوده است. وی در پایان دیدار و گفتگو با پوتین گفت: تنش بین روسیه و اوکراین رفع شده و صفحات قبل از انتخابات بسته شده است.

یوشنکو در روز تحلیف ریاست جمهوری نیز ضمن تأکید بر همگرایی با اتحادیه اروپا گفت در صورتی که فضای واحد اقتصادی با روسیه مانعی برای ورود اوکراین به اروپا نشود نزدیکی به روسیه اولویت دوم ما خواهد بود. وی پیشتر قول داده بود روسیه نخستین شریک تجاری اوکراین باقی بماند.

۴. سفر به اروپا و موضعگیری یوشنکو در قبال اتحادیه اروپا و ناتو

رئیس جمهور جدید اوکراین بعد از مسکو در تاریخ ۲۵ ژانویه با سفر به استراسبورگ فرانسه با مقامات شورای اروپا ملاقات کرد و بعد از آن در تاریخهای ۲۶ و ۲۷ ژانویه به بروکسل رفت تا در پارلمان اروپا سخنرانی کند. وی در مذاکرات خود با مقامات اروپا؛ موضوع پیوستن اوکراین به اتحادیه اروپا - که پارلمان اروپا مخالف این موضوع است - افزایش سهم اوکراین به میزان ۵۰۰ میلیون یورو از وامی که اتحادیه اروپا به کشورهای روسیه، اوکراین، مولداوی و بلاروس اختصاص داده است، آغاز سریع مذاکرات تجاری میان اوکراین و اتحادیه اروپا به خصوص فولاد و منسوجات، منطقه آزاد تجاری اوکراین، حمایت اتحادیه اروپا از پیوستن اوکراین به سازمان تجارت جهانی و تسهیل در صدور روادید برای سفر اتباع اوکراین به کشورهای اروپایی را مورد بحث و بررسی قرار داد نکته قابل ملاحظه اینکه در میان کشورهای اروپایی دو کشور فرانسه و آلمان تمایل کمتری نسبت به پذیرفته شدن اوکراین در اتحادیه اروپا نشان می دهند. یوشنکو پیشتر از اتحادیه اروپا خواست طرح بلند مدت همکاری با اوکراین را در پیش بگیرند. یوشنکو برنامه‌های خود را برای همکاری با اتحادیه اروپا این چنین بر شمرد^(۷):

۱. به رسمیت شناختن اقتصاد اوکراین بعنوان اقتصاد آزاد

۲. ورود اوکراین به سازمان تجارت جهانی

۳. کسب عضویت مشترک

۴. عضویت کامل در اتحادیه اروپا

وی همچنین در خصوص پیوستن اوکراین به سازمانها و بلوکهای مطرح جهانی مانند ناتو اعلام داشت که این موضوع باید از طریق رفراendum انجام شود. البته کارشناسان روسی معتقدند که با پیروزی یوشنکو عضویت اوکراین در ناتو تسریع شده و از حرف به عمل منجر

می‌شود و این کشور تا سال ۲۰۰۷ عضو این پیمان خواهد شد. سرگئی مارکف کارشناس روسی معتقد است پیوستن اوکراین به ناتو در راستای منافع آمریکا و منزوی نمودن روسیه است. بدین ترتیب همکاری نظامی و صنعتی روسیه کم یا قطع خواهد شد و از طرفی باعث تضعیف موضع آلمان و فرانسه در ناتو خواهد شد. البته گفته شده است اگر اوکراین در عرض ۵ سال آینده اصلاحاتی در نیروهای نظامی خود بعمل آورد واجد شرایط عضویت در ناتو است.

چالشهای فرا روی یوشنکو^(۸)

۱. دولت یوشنکو ناگزیر به فراگیر بودن است و باید همه گروهها را مد نظر داشته باشد.
۲. ضمن اینکه اوضاع اقتصادی فعلی امید بخش است اما برنامه توسعه سازمان ملل متحد اصلاحات ساختاری را نیاز فوری اوکراین می‌داند.
۳. مشکلات اجتماعی همچون فقر و گسترش بیماری ایدز
۴. خصوصی سازی (بویژه در مورد بزرگترین کارخانه تولیدکننده فولاد) و بازنگاری پرونده‌های مشابه
۵. اصلاحات رسانه‌ای
۶. رسیدگی به پرونده‌های سیاسی و جنائی (قتل گشورگی گنگادزه، متقلبان در انتخابات ریاست جمهوری، افرادی که در صدد تجزیه طلبی بوده‌اند و افراد متهم به مسموم کردن یوشنکو)
۷. تصمیم گیری در خصوص نوع روابط با روسیه
۸. نوع برخورد با فضای واحد اقتصادی
۹. سطح ارتباط با اتحادیه اروپا و کیفیت عضویت در آن
۱۰. عضویت در ناتو و سازمان تجارت جهانی
۱۱. رفع اختلافات و دو دستگی‌های ناشی از بحران انتخابات اخیر
۱۲. مبارزه با فساد. چراکه بر اساس اصلاحات قانون اساسی زمینه‌های قدرت رئیس جمهور به نفع اعضای پارلمان بسیار کاهش خواهد یافت این قانون اصلاح شده قرار است از سپتامبر ۲۰۰۵ یا ژانویه ۲۰۰۶ مورد اجرا گذاشته شود که با تلاش مخالفان یوشنکو برای در

دست گرفتن اکثریت در انتخابات مجلس ۲۰۰۶ کار یوشنکو مشکل خواهد شد.

۱۳. تضمین وحدت اوکراین و حفظ توازن میان روسیه و اتحادیه اروپا

۱۴. برخورد با طبقه حاکم بر اقتصاد کشور

مواضع و استراتژی روسیه در قبال اوکراین

روسیه که وارث بخش عمده‌ای از جایگاه و مشروعیت سیاسی و اقتصادی اتحاد جماهیر شوروی در بین کشورهای CIS بوده است بعد از استقلال کشورهای پیرامونی خود، تمام تلاش و مساعی خود را برای تحت نظارت و کنترل داشتن آنها بکار برد تا ضمن کسب منافع بیشتر در دنیای امروز از آنها همچون متعهدانی در خور و شایسته و همچنین ابزاری برای کسب منافع بیشتر استفاده کند، البته در این بین تعریف جایگاه جدید امنیتی را نیز باید به موارد قبل افزود. از این رو روسیه که در ارتباط با گرجستان خطای فاحشی را به خاطر عدم مداخله جدی در فضای سیاسی این کشور به هنگام انتقال قدرت از شواردنادزه به ساکاشویلی مرتکب شده و بدین طریق یکی از کشورهای متحد سابق خود را در مبارزه سیاسی با غرب و بویژه امریکا از دست داده بود انتخابات اوکراین را با حضور نیروی اپوزیسیون قدرتمندی همچون یوشنکو جدی گرفت و از آغازین روزهای تبلیغات انتخاباتی با حمایت از یاناکوویچ که گرایشات قدرتمند شرقی داشت سعی کرد این بار با ادامه حاکمیت نیروهای طرفدار خود در این منطقه از نفوذ غرب و بویژه امریکا در این کشورها بکاهد تا از این طریق از پیامدهای منفی فاصله‌گیری اوکراین از روسیه که در صورت پیروزی جبهه مخالف دولت قابل فرض بود جلوگیری کند. اهم این پیامدها بصورت موردی بدین شرح است:

- اقتصادی؛ احتمال خلل در مبادلات تجاری دو کشور و تقلیل مبادلات بازرگانی بین دو

کشور^(۹)، تزلزل در روند شکل‌گیری و فعالیت فضای واحد اقتصادی، تجدید مجدد اتحادیه

گوام^(۱۰)، مشکل در موضوع ترانزیت انرژی روسیه به اروپا و ...

- امنیتی و دفاعی؛ برچیده شدن پایگاه نیروی دریایی سواستوپل روسیه از جنوب

اوکراین در صورت عضویت این کشور در ناتو، به مخاطره افتادن امنیت مرزهای مشترک طولانی

روسیه با اوکراین که بدنبال آن نیاز به افزایش بودجه نظامی کشور، تقویت موضع امریکا در

منطقه و گسترش مرزهای ناتو تا مرزهای غربی روسیه و بلاروس و...

- سیاسی؛ تضعیف ساختارهای سیاسی و اقتصادی نوع شرقی، تداوم بحران ژئوپلیتیک برآمده از فروپاشی شوروی سابق، رشد و گسترش جنبشهای دموکراتیک و خواهان رهایی از حوزه نفوذ روسیه، تضعیف موقعیت بین‌المللی و منطقه‌ای روسیه ناشی از جدایی کشورهای پیرامونی آن و

قدر مسلم لحاظ قرار دادن چنین پیامدهایی که می‌توانست منافع ملی و حیاتی روسیه را تحت الشعاع قرار دهد، مقامات سیاسی و ارشد روسیه را بر آن داشت تا با حرکتی هماهنگ از کاندیدای شرق‌گرای ریاست جمهوری اوکراین حمایت کنند، از این رو به صراحت از یاناکوویچ حمایت کردند تا اوکراین را حداقل برای یک مدت ۵ ساله از دست ندهند. گرچه این مسئله نیز با این شدت و غلظت قابل قبول نیست بخاطر اینکه واقعیت‌های ژئوپلیتیک اوکراین جدایی کامل آن را از روسیه بدنبال نخواهد داشت و این دو کشور بخاطر درهم تنیده شدن منافع و نیازهایشان ناچار به حفظ بخشی از ارتباطات متقابل خواهند بود.

با این همه روسیه هرگز راضی به از دست دادن کشورهای پیرامونی خود و قرار گرفتن در اولویت دوم سیاست خارجی آنها نیست و این خود دلیلی شد تا با برنامه‌ها و مواضعی از کاندیدای مورد نظر خود حمایت کند لذا در این راستا اقداماتی را پیگیری نمود که در ایام تبلیغات انتخاباتی اوکراین قابل ملاحظه بوده اند و شاخصه‌های اولیه استراتژی روسیه برای حفظ تمامیت ارضی و حاکمیت سیاسی طرفدار خود در اوکراین را شکل دادند که عبارتند از:

۱. تداوم رفت و آمدهای سیاسی یاناکوویچ به روسیه و مقامات روسی به اوکراین و ترتیب ملاقاتهای مکرر وی با پوتین؛

۲. عقد موافقتنامه‌های سیاسی، نظامی و اقتصادی با حاکمان اوکراین همچون استفاده بالعکس از خطوط لوله اودسا-برودی که به لحاظ مسایل انرژی و مباحث اقتصادی آن، از جمله مباحث قابل مطالعه است.

۳. حضور نیروهای روسی در بندر سواستوپول

۴. تحریک کوچما به تصمیم در خصوص حذف بندی از دکترین نظامی اوکراین که در آن الحاق به اتحادیه اروپا به عنوان هدف نهایی استراتژی همگرایی اروپایی ذکر شده بود.

۵. نصب تابلوهای تبلیغاتی یاناکوویچ در شهر مسکو

۶. دفاع پوتین از سیاستها و شعارهای یاناکوویچ در خصوص تابعیت مضاعف و زبان

روسی به عنوان زبان دوم اوکراین.^(۱۱)

با این همه، اقداماتی از این قبیل هم نتوانست در دور اول یاناکوویچ را بعنوان رئیس جمهور اوکراین معرفی کند و در حالی که همه کشورهای غربی و مخالفان دولت اوکراین به تقلبهای اعمال شده در آن اعتراض داشتند، روسیه آن را شفاف و سالم عنوان کرد و در دور دوم هم به صراحت از یاناکوویچ حمایت کرد و در پایان دور دوم انتخابات که کمیسیون مرکزی انتخابات اوکراین یاناکوویچ را پیروز اعلام کرد. علیرغم در پی داشتن مخالفت‌های مردمی و حضور گسترده آنها در خیابانها به خاطر آنچه از آن بنام اعمال سلیقه و تقلب دولت در انتخابات یاد کردند، روسیه و شخص پوتین به عنوان نخستین دولت خارجی، پیام تبریکی را برای یاناکوویچ ارسال نموده و ضمن تأکید بر عدم مشاهده تقلبی که در نتیجه امر مؤثر افتد، مخالفتها و فشارهای غرب و آمریکا را در راستای اهداف سیاسی و سیاستهای مداخله جویانه برای کسب منافع خود تعبیر نمودند. در این میان اصرار و استراتژی روسیه بر حفظ پیروزی اعلام شده یاناکوویچ با حضور چرنومردین سفیر روسیه در اوکراین و شهردار مسکو در کنگره دانستک، که نشان از عزم طرفداران یاناکوویچ بر حفظ پیروزی به قیمت - حتی شعاری - اعلان خود مختاری ایالات شرقی اوکراین در صورت اعلام پیروزی یوشنکو، نقش جدی تری به خود گرفت. عدم اقبال مردم از یاناکوویچ در دو دور متوالی ورد پیروزی دور دوم یاناکوویچ از سوی دیوان عالی این کشور موجب سردی اقدامات و پیگیری‌های روسیه در قبال دفاع و حمایت از یاناکوویچ شد؛ ضمن آنکه از نخست نیز روسیه از اقداماتی خشونت آمیز یا بهره گیری از ابزارهای حذفی استفاده نکرد و موضوعی محتاطانه تر را در پیش گرفت که در این راستا دلایل ذیل نیز قابل ذکرند:

۱. توان محدود تأثیر گذاری روسیه بر اوکراین

۲. خطر آسیب پذیری روابط بوش با پوتین

۳. محدود شدن نقش روسیه در گروه هشت کشورهای صنعتی

۴. تخریب تلاشهای روسیه برای پیوستن به WTO

با انجام دور سوم انتخابات و تصویب نهائی پیروزی یوشنکو در آن، پوتین با اعلام اینکه ما

نمی‌توانیم هیچ سیاستی غیر از باز بودن را نسبت به ملتها و کشورهای بعد از شوروی اجرا کنیم. سیاستهای مطروحه از سوی یوشنکو را تضادی در قبال روابط ویژه روسیه با اوکراین و حضور این کشور در فضای واحد اقتصادی ندانست و البته در ادامه اعلام داشت به زعم من این عضویت بعد از قریب به ۲۰ سال عملی خواهد شد.

میخائیل گورباچف رئیس جمهوری سابق اوکراین نیز در تعریف روابط روسیه و اوکراین بعد از پیروزی یوشنکو گفت: بعید است که بین روسیه و اوکراین موضوع در اماتیک رخ دهد. از سوی دیگر آندره کوشکین رئیس کمیته دومای روسیه در امور کشورهای مشترک المنافع و ارتباطات با هموطنان نیز در همین دوره زمانی در یک موضعگیری جدید و متفاوت بیان داشت: به نفع روسیه و اوکراین است که حرکت مشترک و هماهنگ به سوی اروپا داشته و تلاشهای خود را جهت الحاق به سازمان تجارت جهانی هماهنگ سازند.

این موضعگیری‌ها که در زمان سفر یوشنکو به روسیه به عنوان اولین سفر خارجی ایراد شده و نشان از ملایمت و ملاحظت در مواضع روسیه دارد که بی شک حاکی از نگرانی روسیه از تکرار انقلابهای اینچینی و امکان تشکیل پیمانهای نظامی و اقتصادی جدید در منطقه و همچنین ایجاد انشقاق بین روسیه و متحدان پیرامونی آن می‌باشد.

مواضع و استراتژی آمریکا و اروپا در قبال اوکراین

۱. آمریکا

کسب پیروزی غرب خاصه آمریکا و نفوذ به یکی از حوزه‌های نفوذ روسیه یعنی گرجستان، آنها را تشویق نموده تا چنین رویدادی را در دیگر کشورهای منطقه به آزمایش گذاشته و تجربه نمایند لذا از آغاز یوشنکو بعنوان نامزد طرفدار غرب مطرح بوده و در این بین باید حمایت‌های سیاسی و مالی غرب را به این طیف سیاسی جهت کسب و تثبیت پیروزی آنها همیشه یادآور شد و بعنوان یکی از دلایل مهم اقبال مردم به این طیف سیاسی ذکر کرد.

برنامه‌ها و اقدامات برنامه ریزی شده و مدون مقامات سیاسی ایالات متحده آمریکا برای کسب موفقیت در اوکراین با لایحه ۵۱۰۲ ارائه شده از سوی دانارورباچر نماینده کنگره آمریکا به مجلس این کشور در خصوص انتخابات ریاست جمهوری اوکراین و درخواست برای برگزاری

صادقانه، قانونی و سالم آن، آغاز شده بود که این امر از سوی حاکمیت اوکراین و همچنین مقامات سیاسی روسیه مورد مذمت قرار گرفت اما هیچ تأثیری در روند سیاستهای اتخاذ شده از سوی آمریکا برای کسب هدف نداشت. عمده استراتژی‌های ایالات متحده آمریکا برای تکرار الگوی گرجستان در اوکراین و تثبیت پیروزی یوشنکو و همچنین موضعگیری‌های حمایتی آن به شرح ذیل می‌باشند:

۱. حضور کیسینجر در اوکراین و نشستهای متعدد و جداگانه با یوشنکو در ایام تبلیغات انتخاباتی. این نشستها که نشان از طراحی مباحث تبلیغی و تجزیه و تحلیل دورنمای فضای سیاسی اوکراین داشت سرآغاز استراتژی‌های مدرن و ارائه برنامه‌های آمریکا برای کمک به طیف طرفدار خود بوده است.

۲. شانناژ سیاسی و خبری و اظهار نظرهای مداخله جویانه به زعم طرفداران دولت که با هدف فشار به دولت و خط‌دهی دیگر کشورهای غربی و سازمانهای بین‌المللی صورت می‌گرفت.

۳. هزینه مبلغی قریب به ۶۵ میلیون دلار از سوی ایالات متحده آمریکا که با هدف تقویت موقعیت یوشنکو در اوکراین و کمک به حرکت سیاسی اپوزیسیون و پیروزی رهبر آن در انتخابات ریاست جمهوری صورت گرفت که نمادی دیگر از تلاش آمریکا برای تأثیرگذاری بر اوکراین فردا بوده است. (۱۲)

۴. اعمال نظر در جریان مذاکرات بین‌المللی، به نحوی که ناظران سیاسی حضور رئیس‌جمهور لهستان را در مذاکرات بین‌المللی حل بحران اوکراین به عنوان نماینده آمریکا قلمداد می‌کردند.

۵. هیئت نظارتی کنگره آمریکا دور مجدد مرحله دوم انتخابات آن را کاملاً مثبت و حاکی از اراده مردم اوکراین برای تحقق آزادی و دموکراسی ارزیابی کرد. کاخ سفید هم انتخابات ۲۶ دسامبر را مطابق استانداردهای بین‌المللی و دموکراتیک اعلام نمود.

انتخاب یوشنکو بعنوان رئیس‌جمهور جدید اوکراین بار دیگر موفقیتی برای ایالات متحده آمریکا قلمداد شد تا در رویارویی سیاسی با روسیه آنهم در حوزه خارج نزدیک آن به پیروزی دیگری دست یابد و به تکرار الگوهای این چنینی در دیگر کشورهای منطقه بیاندیشد. از این رو به محض اعلام پیروزی یوشنکو با شفاف و سالم خواندن سومین دور انتخابات اوکراین

آن را ابراز اراده ملت و خاستگاه دموکراسی طلبی مردم برشمردند. پاول که به نمایندگی از رئیس‌جمهور بوش در مراسم تحلیف حضور پیدا کرد ضمن دعوت از یوشنکو برای سفر به آمریکا اعلام کرد کشورش به پیشرفت اصلاحات سیاسی و رشد اقتصادی در اوکراین کمک خواهد کرد. بوش نیز در یک مکالمه تلفنی با یوشنکو ضمن تبریک موفقیتش در کسب ریاست جمهوری اوکراین با اشاره به همکاری و مشارکت دو کشور در عراق بار دیگر بر اهمیت همکاری کشورهای ائتلاف برای حمایت از دموکراسی در عراق تأکید کرد و دیک چینی در نشست مطبوعاتی^(۱۳) گفت: یوشنکو یک متحد آمریکا محسوب می‌شود و به همین دلیل مورد حمایت آمریکا و جرج بوش رئیس‌جمهوری آمریکا است. چینی خاطر نشان کرد آمریکا از پیوستن اوکراین به نهادهایی مانند پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) و اتحادیه اروپا حمایت می‌کند.

نکته قابل توجه اینکه یوشنکو و ساکاشویلی ریس‌جمهور گرجستان در ملاقاتی که در اجلاس اقتصادی داووس داشته‌اند کمک‌های ایالات متحده آمریکا را برای استقرار دموکراسی و پیروزی خود قابل ملاحظه برشمردند. البته در این روندی که ایالات متحده آمریکا در پیش گرفته است نکته دارای اهمیت، حرکت تدریجی اوکراین برای ورود به اردوگاه غرب و آزادی از قیمومیت روسیه است. از سالها پیش آمریکا این استراتژی را بطور روشمند در هر منطقه از طریق ایجاد پایگاههای نظامی و شراکتهای متعدد انجام داده است و مهمترین دست آوردش قبل از اوکراین، گرجستان بوده است و بی تردید اوکراین نیز آخرین آن نبوده است.

۲. کشورها و سازمانهای اروپایی

کشورهای اروپایی از آغاز همچون آمریکا با اعلام حمایت از دموکراسی، در تلاش برای کسب موفقیت نامزد غربگرا در انتخابات بودند که از نخست با شعار همگرایی اروپایی و تقویت همکاری‌ها و تعاملات وارد صحنه تبلیغاتی شده بود از این رو موضعگیری سازمان امنیت و همکاری اروپا، ناتو، اتحادیه اروپا و کشورهای غربی هر یک بطور جداگانه مبنی بر اعمال سلیقه و تقلب از سوی دولت اوکراین برای پیروزی یاناکوویچ و تلاش برای اعمال فشار بر دولت کوچما جهت مبارزه با هرگونه تقلب و اعمال قدرتی که منتج به شکست یوشنکو نامزد طرفدار غرب شود، حکایت از علاقمندی غرب به داشتن اوکراینی با گرایش‌های غربگرایانه بوده است.

غربی‌ها و سازمانهای اروپایی در دو دور اول و دوم با ملحوظ داشتن این امر که انتخابات اوکراین مطابق با موازین و استانداردهای بین‌المللی نبوده و یا به زعم وزیر امور خارجه انگلیس با استانداردهای شورای اروپا و دیگر موازین اروپایی^(۱۴) مطابقت نداشت و حتی خاویر سولانا که دولت اوکراین را دعوت به بازنگری در نتیجه انتخابات مرحله دوم کرده بود خواستار ملغی اعلام کردن انتخابات دور دوم شده و برگزاری دور دیگری از انتخابات را پیشنهاد کردند و این امر تا آنجا قوت گرفت که اعلام کردند در صورت اصرار دولت اوکراین بر نتیجه انتخابات مرحله دوم از به رسمیت شناختن نتایج انتخابات و پیروزی یاناکوویچ پرهیز می‌نمایند. از این رو اوکراین و روسیه را به پذیرش یوشنکو به عنوان رئیس جمهور ترغیب نمودند و در نهایت با فشارهای خود و فرستادن خاویر سولانا و رئیس جمهور لهستان و لیتوانی در حضور یاناکوویچ و یوشنکو دو نامزد رقیب و با نظارت کوچماتلی سه دوره مذاکرات بین‌المللی فضا را برای دولت کوچماتنگ نموده و امید یاناکوویچ را برای رهایی از فشارهای غرب به یاس مبدل ساختند و فرصت دیگری به یوشنکو دادند تا جایگاه مردمی خود را اثبات کند.

کشورهای غربی در آستانه انتخابات ریاست جمهوری این کشور بارها اعلام داشته بودند که در صورت برگزاری انتخابات سالم و آزاد و البته با پیروزی یوشنکو، عضویت اوکراین را در اتحادیه سرعت خواهند بخشید. از سویی لهستان و آلمان نیز پیشنهاد کردند در صورت برگزاری انتخابات صادقانه در اوکراین به این کشور موقعیت بازاری اعطا گردد. در بیانیه‌ای که توسط دو کشور فوق انتشار یافته بود، آمده است که این دو کشور به اتحادیه اروپا پیشنهاد می‌کنند تا اوکراین را در مسیر الحاق به سازمان تجارت جهانی حمایت کنند و همکاری به آن را استراتژیک تلقی کنند. اما اغلب کشورهای اروپایی در اولین گام بعد از پیروزی یوشنکو از عدم بررسی امکان عضویت اوکراین در اتحادیه سخن گفتند و فرانسوا لهیبی نماینده کمیسیون اتحادیه اروپا ضمن اشاره به مطلب فوق یادآور شد اتحادیه به اوکراین تنها به عنوان همکار در چارچوب همسایگی نگاه می‌کند که این مورد نیز بنا بر اصرار لهستان که نگران وضعیت همسایه خود است شکل گرفت و سیاست همسایگی بمنظور پیشنهاد همکاری‌های تنگاتنگ اوکراین با هفت کشور اروپایی همسایه برقرار شد و در نشست نمایندگان پارلمان اروپا در ۱۳ ژانویه قطعنامه‌ای تصویب شد که در آن بر توسعه روابط با اوکراین تأکید شده است.

در مقابل، کشورهای بزرگ اتحادیه اروپا نگران از هزینه‌های مالی سنگین گسترش اتحادیه و مشکلات مربوط به اداره اروپا در این خصوص محتاطانه تر رفتار می‌کنند این کشورها معتقدند که باید راههای تحرک روابط اتحادیه اروپا و اوکراین را یافت بدون این که به چشم انداز الحاق اوکراین به اتحادیه اروپا اندیشید.

تأثیر تحولات اوکراین بر آینده سیاسی کشورهای CIS

وقتی تحولات سیاسی و اجتماعی گرجستان فضا را برای تکرار انقلابی مشابه مهیا می‌سازد و غرب را به بهره‌گیری از الگوی انقلابهای نرم و مخملین در منطقه ترغیب می‌کند و البته با اقبال افکار عمومی این کشورها مواجه می‌شود، قابل درک بود که انقلاب اوکراین و تحولات متناسب به آن نیز از فردای بعد از موفقیت اپوزیسیون دولت، الگویی برای دیگر گروه‌های مخالف حاکمیت‌های سیاسی در کشورهای این منطقه تبدیل شود و غرب نیز از فضای ایجاد شده قبل از هرگونه امکان مواجه شدن این انقلابها با مشکلات و متوقف شدن قبل از کسب همه اهداف، در دیگر کشورهایی که مستعد تحول و تغییر می‌باشند به نحو مقتضی بهره‌برداری کند. از این رو به محض پایان یافتن فضای متشنج اوکراین و پیروزی یوشنکو بعنوان رهبر مخالفان دولت سابق در انتخابات، شاهد یک رشته تحرکات و اقدامات سیاسی و موضعگیری‌های جدید از سوی گروه‌های سیاسی و غربی‌ها از یکسو و رهبران و مقامات سیاسی کشورهای منطقه و روسیه از سوی دیگر بودیم که نشان از تمایل غرب به تکرار انقلابهای نرم و کسب موفقیت‌های دیگر در منطقه و نگرانی و دغدغه دولتهای فعلی منطقه و همچنین روسیه داشت.

روسیه

روسیه ضمن آنکه نگران از اتفاقاتی است که در کشورهای پیرامونی آن، منافع مسکو را تهدید می‌کند و تکرار آن از دست رفتن دیگر حوزه‌های نفوذ سنتی آن را در پی خواهد داشت، نگران تحت‌الشعاع قرار گرفتن حاکمیت خود است. گریگوری یاولینسکی رهبر حزب یابولوکو روسیه که ۳ بار نامزد انتخابات ریاست جمهوری روسیه بوده در خصوص امکان تسری این

انقلابها به روسیه گفت: در روسیه نیز نیروهای دموکراتیک وجود دارند اما این نیروها هنوز نتوانستند فرصتی برای متحد شدن و رهبری برای هدایت بیابند و جالب اینکه در ادامه سخنان خود، اندیشه اعتراض‌های مردمی به سبک اوکراین را در روسیه رد نکرد و گفت انقلاب نارنجی تا حدودی متأثر از وجود شمار زیادی سازمانهای غیر دولتی در این کشور بود در حالی که تعداد این سازمانها در روسیه چندان نیست^(۱۵) نکته قابل توجه اینکه این نیروی فعال سیاسی روسیه اندیشه‌های معترضان مردمی را در روسیه تأیید می‌کند و تنها به عدم رهبری، انسجام و نبود سازمانهای غیر دولتی در روسیه می‌داند وگرنه اصل امکان شکل‌گیری انقلاب در روسیه را رد نکرد. این مباحث دلیل تأکید ما بر امکان وقوع انقلابی در روسیه مشابه گرجستان و اوکراین نیست بلکه معتقدیم که تکرار اینگونه موارد بر روسیه نیز تأثیر سوء خواهد گذاشت و زنگ خطری برای روسیه خواهد بود.

ازبکستان و ارمنستان

اسلام کریم اف رئیس‌جمهور ازبکستان ضمن محکوم کردن نظامی شدن آسیای میانه و تلاش قدرتهای خارجی برای کسب نفوذ در این منطقه از سوی روسیه و آمریکا گفت: بازیگران اصلی ژئواستراتژیک به بهانه مبارزه با تروریسم بین‌المللی در تلاش برای کسب نفوذ در آسیای میانه هستند و آمریکا باید به محض اینکه کار بازسازی افغانستان پایان یافت از ازبکستان خارج شود. وی همچنین گفته است که احتمال تکرار بحرانهایی مشابه اوکراین در کشور وی وجود ندارد و در کشور او هیچ تمایلی به تغییر دولت فعلی وجود ندارد^(۱۶) گفته می‌شود سازمان امنیت و همکاری اروپا انتخابات پارلمانی اخیر را که در ازبکستان برگزار شد مطابق معیارهای مردم‌سالاری ندانست.

ارمنستان هم یکی دیگر از کشورهای است که از فردای بعد از پروژه اوکراین از سوی ناظران سیاسی بعنوان یکی از کشورهای هدف بعدی غرب برای تغییر حاکمیت سیاسی و ایجاد دولتی باگرایش‌های غرب‌گرایانه مطرح شد. این فرض با سفر گروهی از کارشناسان و مقامات سیاسی آمریکا به ارمنستان و بررسی مواردی خاص از فضای سیاسی و اجتماعی این کشور و ایراد مطالبی تحریک‌کننده، بیشتر قابل پذیرش واقع شد.

اعضای بنیاد آمریکایی مارشال، کارشناسان کنگره آمریکا و گروهی از سناتورهای ایالات متحده و لوگار (نماینده ویژه آمریکا در انتخابات ریاست جمهوری اوکراین) از این جمله افراد بودند که در تاریخ ۲۵ دیماه ۸۳ مصادف با ۱۴ ژانویه به ایروان سفر کردند و در مجلس ملی ارمنستان با نمایندگان گروه دوستی پارلمانی ارمنستان و آمریکا و روسای فراکسیونهای طرفدار دولت و مخالفان دیدار کردند. در این ملاقاتها هرانوش هاکوپیان عضو فراکسیون جمهوریخواه ارمنستان برقراری دموکراسی در کشور ارمنستان را برگشت ناپذیر اعلام کرد و افزود باید از طریق اصلاح قانون انتخابات و قانون اساسی به مسائلی که امروزه غرب از ما انتظار دارد دست یابیم. آرداشس گقامیان رهبر حزب وحدت ملی ارمنستان دومین سفر چنین هیئت معتبری به ارمنستان را بیانگر اوج علائق حیاتی ایالات متحده آمریکا به این منطقه ارزیابی کرد و افزود بتدریج به ریشه دواندن دموکراسی در ارمنستان و همچنین جمهوری آذربایجان توجه بیشتری خواهد شد.

قرقیزستان

قرقیزستان نیز کشوری دیگر در این منطقه است که توجه همه ناظران سیاسی و منطقه‌ای را به خود جلب نموده است و امکان تأثیرگذاری و تقبل نقشی فعال از سوی غرب و ایالات متحده آمریکا را در آن زیاد می‌پندارند و شاید دو دلیل عمده آن یکی در پیش داشتن دو انتخابات حساس پارلمانی در ۹ اسفند مصادف با ۲۷ فوریه و انتخابات ریاست جمهوری در مهرماه ۸۴ مصادف با اکتبر سالجاری و دیگری شکل‌گیری اپوزیسیونی نسبتاً قدرتمند (۱۷) و اقبال عمومی در آن باشد.

مهمترین حرکتی که نشان از آغاز جنبشهای سیاسی مخالف دولت در قرقیزستان بصورت منسجم شکل گرفت تظاهرات آرامی بود که اپوزیسیون دولت در تاریخ ۲۰ دی مصادف با ۹ ژانویه سالجاری در بیشکک انجام دادند. گفته شد این تظاهرات از سوی یکصد نفر از مردم این کشور و با لباسهای متحدالشکل و با رنگ نارنجی برگزار شد. رنگی که یادآور پیروزی اخیر نامزد مخالف دولت در اوکراین بود. این اولین راهپیمایی قابل ذکر این گروه در خیابانهای بیشکک بود که در مخالفت با اقدام کمیسیون مرکزی انتخابات پارلمانی این کشور در عدم ثبت نام از خانم رازا

آنونبایوا برگزار شد و موجب گشت تا از هم اکنون انتخابات پارلمانی این کشور از سوی برخی منتقدان و غربی‌ها غیر مردمسالارانه و غیر شفاف ذکر شود اتهامی که می‌تواند فرصتی برای مخالفان دولت و غربی‌ها تا گام به گام به الگوی اوکراینی نزدیک شوند.

موضوع مورد اشاره دیگر، تحلیل مطبوعات قرقیزستان از پشتیبانی و فشار سفارت آمریکا در بیشکک برای تصویب قانون انگشت نگاری رأی دهندگان و حتی به عهده گرفتن هزینه ۳۴۰ هزار دلاری آن ارائه داد و با این حرکت احتمال تأثیرگذاری آمریکا در انتخاباتهای مجلس و ریاست جمهوری این کشور را قابل پیش بینی برشمردند. از این رو تحرک اخیر احزاب سیاسی مخالف دولت قرقیزستان به صراحت بیانگر این امر است که صحنه سازان خارجی برای اجرای اهداف استراتژیک خود در این جمهوری از منطقه آسیای مرکزی اقدام کرده‌اند و احتمال تکرار الگوی اوکراینی در آن محتمل تر و قریب به ذهن تراست.

آذربایجان

مقامات سیاسی آذربایجان نیز بخاطر تحت فشار قرار گرفتن دولت از سوی نهادهای غربی برای تأسیس شبکه تلویزیونی مستقل در این کشور آنهم زمانیکه آمریکا همین چندی پیش از شبکه‌های تلویزیونی مشابه در گرجستان و اوکراین برای هدایت استراتژی‌های خود و شانتاژهای خبری و سیاسی کمک گرفت، از آینده فضای سیاسی و اجتماعی کشور وتداوم حاکمیت سیاسی فعلی نگران هستند. گفته می‌شود احتمال تأمین مالی شبکه یئنی تی وی از طرف سازمانهای یهودی مرتبط با سفارت رژیم صهیونیستی در باکو وجود دارد.

بلاروس

بلاروس نیز با اعلام صریح کشورهای غربی و ایالات متحده آمریکا مبنی بر عدم رعایت اصول دموکراسی در این کشور، از روند روبه جلو تغییر حاکمیتها در منطقه رضایت ندارد تا جایی که رئیس جمهوری این کشور در چند مورد موضعگیری جدی داشته و احتمال تکرار انقلابی مشابه اوکراین و گرجستان را در کشورش به کلی مردود دانست و گفت دیگر سخنی در این مورد مطرح نشود. نگرانی ویژه‌ای که به هیچ نحو نمی‌شود آن را پنهان ساخت.

نتیجه گیری

مداقه و بررسی موردی هریک از موارد مطروحه فوق تحلیلهای مجزای ذیل را به ذهن متبادر می‌سازد:

روسیه که شاهد تحولات تدریجی سیاسی و امنیتی و تغییر حاکمیتها در حوزه نفوذ سنتی خود است طبیعی است تا با هر ابزار و سیاستی از ایجاد و گسترش آنها به دیگر حوزه‌ها جلوگیری نماید و بدین نحو با مدیریت صحیح و دقیق تر آنها شاهد حضور فعالانه ایالات متحده آمریکا و غرب در حوزه خارج نزدیک خود نباشد. بی شک روسیه زنگ خطر را بعد از تقدیم دولت گرجستان از سوی شواردنادزه به ساکاشویلی طرفدار غرب درک کرد اما تکرار حوادثی با همین شعاع و گستره باید روسیه را نسبت به آینده فضای سیاسی منطقه هشیار می‌نمود که گویی روسیه بار دیگر تا تقدیم دولت اوکراین به یوشنکوی غربگرا، واقعیت موجود را با تمام حساسیت‌هایش درک نکرد یا حداقل زمانی آن را تهدید تلقی کرد که دیگر هیچ تلاشی از سوی روسیه برای رفع آن مؤثر نیافتاد و بعد از آن موضوع عضویت آذربایجان، گرجستان و اوکراین در پیمان ناتو و برنامه ریزی مدون و صریح غرب و خاصه آمریکا برای تغییر در حاکمیت‌های سیاسی دیگر کشورها را نیز در مقابل دید.

روسیه اکنون به عمق برنامه‌های آمریکا برای خلع سلاح سیاسی مسکو و حضور مؤثر در منطقه پی برده است اما گویی توان تأثیرگذاری روسیه بر این کشورها محدود است و دیگر از قابلیت قبلی برای تسری سیاست‌های خود بر این کشورها برخوردار نیست. شاید در حال حاضر تنها اقدام بایسته روسیه این باشد که، ضمن تجدیدنظر در روابط خود با کشورهای CIS، تحکیم مبانی قدرت مرکزی در مقابل جمهوری‌ها، تضعیف جریان‌ات غربگرا و شدت عمل بیشتر در مقابل تهدیدهای مشابه از حوزه خارج نزدیک خود حفاظت کند؛ در غیر این صورت با تداوم این رویدادها و پیوستگی آنها به ساختارهای غربی، روسیه بسرعت از یک قدرت تأثیرگذار منطقه‌ای و بین‌المللی به یک کشور یا قدرتی میانه تقلیل می‌یابد.

واقعیت‌های ژئوپولیتیک ایجاب می‌کند که اوکراین علاوه بر ایجاد ارتباطاتی نوین و تعامل با اروپا و آمریکا و تلاش برای پیوستن به ساختارهای غربی، روابط خود را با روسیه بعنوان همسایه قدرتمند شرقی خود حفظ نماید یا از تزلزل بیشتر این روابط جلوگیری نماید. شاید

بخاطر پذیرش همین واقعیت و نیازهای متقابل دو کشور در زمینه‌های مختلف اقتصادی، نظامی و سیاسی و درک ایجاد دو دستگی در کشور به دنبال انتخابات اخیر، یوشنکو را برآن داشت تا اولین سفر خارجی خود را به دیدار از روسیه اختصاص دهد تا وضعیت فعلی را به شرایط مطلوبتری سوق دهد. از سویی دیگر یوشنکو روز بعد از سفر به مسکو به استراسبورگ و بعد به بروکسل سفر کرد و در آنجا عنوان نمود که همگرایی با اروپا و عضویت در اتحادیه اروپا در اولویت اول سیاست خارجی قرار دارد. از این رو اوکراین برای بهره‌گیری از روسیه و اروپا در دستیابی به اهداف و منافع عالی خود باید با نظر داشت مطالب فوق، توازن تماسها با اتحادیه اروپا و روسیه را حفظ کند و گر نه آسیبهای جدی و غیر قابل جبرانی را برای اقتصاد و امنیت اوکراین بهمراه خواهد داشت.

به نظر می‌رسد بعد از گرجستان و اوکراین که شاهد انقلابهای نرم و مخملین و پیوستن به متحدان آمریکا در منطقه بوده اند، احتمال تکرار این الگوها در کشورهایی چون قرقیزستان، ارمنستان و قزاقستان وجود دارد. البته در این بین قرقیزستان با عنایت به دو انتخابات پارلمانی و ریاست جمهوری و حضور اپوزیسیون فعال و مورد حمایت غرب و آغاز فشارها و شانتاژهای بدون بین‌المللی به بهانه عدم رعایت حقوق بشر در این کشور، به احتمال زیاد در آینده نزدیک شاهد تغییر حاکمیت سیاسی خواهد بود. برای جلوگیری از اجرای چنین سناریوهایی دولتمردان کشور و مخالفین لازم است برای تعویض زمامداران حکومت در فضایی از صلح و ثبات و بدون مداخله نیروهای خارجی به توافق دست یابند که در غیر این صورت دموکراسی خیابانی استقلال کشور را تهدید خواهد کرد.

یادداشت‌ها

۱. واشنگتن پست، ۲۶ ژانویه، ترجمه و چاپ در روزنامه همشهری ۸ بهمن ۸۳.
2. National Deliverance Committee
3. Confederation Center Democratic
۴. استانداری والینسکی، ایوانو فرانکو، شهرداری لووف، ترنوپیل، لوتسک، خملیتسکی، وینیزا، ویژگراد، سامبورسک، تروسکاوتسک.. یوشنکو را رئیس جمهور خود اعلام کردند و استانهای شرقی همچون دانتسک، دنیپروپتروفسک، زاپاروژه و لوگانسک... یاناکوویچ را رئیس جمهور قانونی خود اعلام نمودند.
۵. لهستان به واسطه تقرب به ایالات متحده آمریکا و مشارکت در ائتلاف ضد تروریستی آمریکا بر علیه

عراق در صدد است تا به نحوی جایگاه ویژه‌ای برای خود در اتحادیه اروپا - لهستان دوست دارد وزنه مؤثری در سیاستهای اتحادیه با قرار گرفتن در مقابل جناح غربی اتحادیه اروپا یعنی محور برلین، پاریس تبدیل گردد - و جامعه جهانی تعریف کند ضمن آنکه کواشفسکی خود نیز یادآور شد که با بوش تماس گرفته و خواستار حمایت علنی وی برای حل مناقشات اوکراین شد و اعلام داشته که بوش در سفر به کانادا حمایت خود را از او اعلام داشت.

۶. مطابق قانون اساسی اوکراین ۳ هفته پس از اولین پکشنبه پس از صدور رأی دیوان عالی، باید انتخابات مجدد برگزار شود.

۷. سخنرانی یوشنکو در تاریخ ۲۷ آذر در شهر خارکف: به نقل از سایت Ukraine News.

8. Jan Maksymiuk, Analysis: Forging Political Alliances In The New Ukraine, Thursday, Desember 2004.

۹. حجم مبادلات تجاری روسیه و اوکراین در سال قبل ۱۶ میلیارد دلار بوده است و این کشور برای روسیه در تجارت خارجی بعد از آلمان و بلاروس در جای سوم قرار دارد.

۱۰. اتحادیه اقتصادی گوم در سال ۱۹۹۷ تأسیس شد. ازبکستان، آذربایجان، اوکراین، گرجستان، مولداوی کشورهای مؤسس آن بوده‌اند که در آغاز با هدف اقتصادی شکل گرفت اما آرام آرام با هدایت آمریکا فضای نظامی بر آن غالب شد. در حال حاضر نیز لهستان، اسلواکی و قزاقستان درخواست پیوستن به آن را مطرح کردند.

۱۱. پوتین در جمع وزیران خود قبل از دور دوم انتخابات اوکراین گفت: یاناکوویچ پایبندی خود را به توسعه همه‌جانبه اوکراین و روسیه اثبات کرده است.

۱۲. مقامات آمریکایی می‌گویند هیچ وجهی مستقیماً به احزاب سیاسی در اوکراین پرداخت نشده است و کمکهای مالی آمریکا از طریق سازمانهایی از قبیل بنیاد گارنگی و یا گروههایی بوده است که با جمهوریخواهان و یا دموکراتهای آمریکا مرتبط بوده و یا متحد یکی از این دو حزب هستند عمدتاً برای ارتقای سطح انتخابات در اوکراین بکار رفته است.

۱۳. نشست مطبوعاتی فوق در سالروز آزادی اسپران اردوگاه آشویتس در لهستان صورت گرفت که یوشنکو نیز در آن حضور داشت. روزنامه کیهان، ۸ بهمن ۸۳، به نقل از خبرگزاری فرانسه.

۱۴. پارلمان اروپا بعد از برگزاری دور دوم انتخابات با ۴۹۹ رأی موافق از مقامات اوکراین خواستند نتایج انتخابات را ملغی و قبل از پایان سال جاری میلادی (۲۰۰۴) دوباره انتخابات برگزار کنند.

۱۵. این سازمانها در اوکراین نیاز به کسب مجوز از ریاست جمهوری ندارند و از این رو به سهولت ایجاد می‌شوند در حالی که در روسیه نیاز به کسب مجوز رئیس جمهور دارند.

۱۶. خبرگزاری فرانسه به نقل از مصاحبه کریمف با مطبوعات روسیه.

۱۷. در حال حاضر ۳ ائتلاف مستقل سیاسی برای مقابله با دولت فعلی در قرقیزستان شکل گرفت که هدف آنها تغییر حاکمیت این کشور در دو انتخابات آتی است و عمده‌ترین آنها عبارتند از: ۱. حرکت مردمی قرقیزستان؛ به رهبری کورمن بیک باقی‌اف نخست وزیر سابق قرقیزستان که در سال ۱۳۸۱ استعفا داد و با همراهی خانم ایشن گل بالژور آوا وزیر سابق فرهنگ و آموزش و آشیر قولوف دبیر سابق شورای امنیت ملی. این طیف سیاسی از اقبال بیشتری از سوی مردم برخوردارند؛ ۲. خط و مشی نو (ژانسی باگیت)؛ به رهبری مرادبیک ایمان علی اف وزیر سابق امور خارجه.